

پیامدها و راهبردهای بهبود مشارکت ورزشی کارکنان وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در راستای سلامت و توسعه ورزش همگانی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۷ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۲

خلاصه

مقدمه: پژوهش حاضر با هدف بررسی پیامدها و راهبردهای بهبود مشارکت ورزشی کارکنان وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در راستای سلامت و توسعه ورزش همگانی انجام شد.

روش کار: روش پژوهش حاضر، کیفی و مبتنی بر نظریه داده بنیاد با رویکرد نظام مند بود. جامعه آماری در بخش کیفی شامل مسئولین، مشاوران و کارشناسان حوزه ورزش همگانی در وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح می باشند. ملاک انتخاب مشارکت کننده ها تسلط بر موضوع، تجربه عملی و در دسترس بودن بود. جامعه آماری بخش کمی این پژوهش شامل کلیه مدیران ارشد و میانی و کارکنان وزارت دفاع می باشد. از روش نمونه‌گیری هدفمند مبتنی بر رویکرد نظری استفاده شد. جمع‌آوری اطلاعات تا اشباع نظری داده‌ها ادامه یافت و تعداد ۱۴ مصاحبه‌ی نیمه ساختاریافته انجام گرفت. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری سه مرحله‌ای باز، محوری و انتخابی استراس و کوربین با استفاده از نرم افزار مکس کیودا استفاده شد که حاصل آن، استخراج ۱۷۲ مفهوم، ۳۲ مقوله فرعی و ۱۳ مقوله اصلی بود.

نتایج: نتایج نشان داد که راهبردهای ایجاد پیش‌زمینه‌های رسمی مشارکت (استراتژی‌های سطح کلان، برند سازی ورزش همگانی)، ترویج فرهنگ مشارکت (اقتناع و متقاعدسازی جمعی و آگاه سازی همگانی) و طراحی نظام مشارکت در ورزش (تدوین نظام ورزشی، تدوین نظام حامیان مالی و طراحی سامانه مشارکت کارکنان) بر مشارکت ورزشی اثر خواهد داشت.

نتیجه گیری: براساس نتایج تحقیق می توان گفت که توسعه مشارکت ورزش همگانی با توجه به راهبردها می‌تواند منجر به پیامدهایی در راستای ارتقا کارکردها و سلامت افراد شود.

کلمات کلیدی: مشارکت ورزشی، پیامدها، راهبردها، ورزش همگانی.

جلال گودرزی^۱
سپیده قطنیان*^۲
زهرا افشارمند^۳
سعید قربانی^۳

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران.

^۲ استادیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران. (نویسنده مسئول)

^۳ استادیار، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران.

Email: sepideh.ghotnian@yahoo.com

مقدمه

تعداد زیادی از تحقیقات پیش سازهای بهزیستی ذهنی به طور کلی و رضایت بالای زندگی به طور خاص را بررسی کرده اند، به عبارت دیگر، آنچه که مردم را خوشحال می کند. برخی از پیشینه‌های متداول بهزیستی و رضایت از زندگی عبارتند از: روابط رضایت بخش، عوامل شخصیتی مانند روان رنجوری کم، احساس هدف و معنا، و سبک زندگی سالم، از جمله ورزش، ورزش یا فعالیت بدنی به طور کلی (۱)

مشارکت در ورزش موضوع مهمی در عصر حاضر است و سبک زندگی سالم نه تنها بر سلامت قلب و عروق، بلکه بر بروز سایر مشکلات پزشکی (مانند زوال عقل، مشکلات لگن و زانو، سرطان) و سلامت روان نیز تاثیر دارد (۲)

یک شیوع جهانی از فعالیت بدنی ناکافی وجود دارد. بیش از یک چهارم (۲۷٫۵٪) از بزرگسالان در سراسر جهان دستورالعمل‌های فعالیت بدنی توصیه شده را رعایت نمی کنند، و در کشورهای با درآمد بالا، بیش از یک سوم (۳۶٫۸٪) بزرگسالان به اندازه کافی فعال نیستند (۳). مزایای سلامتی، اجتماعی و اقتصادی فعالیت بدنی به خوبی تثبیت شده است و پایه و اساس استراتژی سازمان بهداشت جهانی (WHO) برای افزایش سطح جهانی فعالیت بدنی را تشکیل می دهد. ورزش نوعی فعالیت بدنی است که جزء مهمی از استراتژی WHO برای ادغام فعالیت بدنی منظم در زندگی روزمره را تشکیل می دهد (۴). علاوه بر مزایای سلامتی، اجتماعی و اقتصادی ناشی از فعالیت بدنی، ورزش با سطوح بالاتری از عملکرد بدنی همراه است که به انجام وظایف روزمره کمک می کند (۵) و نتایج سلامت روانی و جسمی را افزایش می دهد (۶، ۷). شواهد بیشتر نشان می دهد که ورزش از طریق فراهم کردن فرصت‌های بیشتر برای ارتباط اجتماعی (۸)، پتانسیل افزایش رضایت از زندگی (۹) و کاهش انزوای اجتماعی (۷) را دارد.

با این حال، در سطح جهانی، نرخ مشارکت ورزشی با افزایش سن در حال کاهش است (۱۰-۱۲). به عنوان مثال، در استرالیا، تقریباً دو سوم (۶۱٪) جوانان (۱۵ تا ۱۹ سال) حداقل یک بار در هفته به ورزش مشغول بودند، در حالی که تنها یک

سوم (۳۱٪) از افراد مسن (۵۵+ سال) به ورزش مشغول بودند. بنابراین ترکیب این روند کاهش ۱۷٫۳ درصدی تعداد شرکت کنندگان در ورزش‌های بزرگسالان استرالیایی بین گروه‌های سنی ۲۵ تا ۳۴ و ۵۵ تا ۶۴ سال، همراه با افزایش (۹٫۳ درصد) در بزرگسالان شرکت کننده در فعالیت‌های بدنی غیر ورزشی (مانند پیاده روی در بوته‌ها، حضور در باشگاه) در گروه‌های سنی مشابه بوده است (۱۳) این دوگانگی مشارکت نشان می دهد که بزرگسالان علاقه و انگیزه دارند تا از نظر بدنی فعال باشند، اما ورزش سازمان یافته شیوه ترجیحی مشارکت نیست و پیشنهادات ورزشی فعلی نیازهای شرکت کنندگان را برآورده نمی کند. تغییرات در شرایط شخصی، شغلی و مالی در طول بزرگسالی رخ می دهد و شناخته شده است که بر ترجیحات و عادات ورزشی تأثیر می گذارد (۱۴، ۱۵).

چندین ساختار نظری برای کشف و درک تأثیرات مشارکت ورزشی استفاده شده است. بسیاری از مطالعات از نظریه‌هایی استفاده کرده اند که انگیزه و تعهد ورزشی را در سطح فردی بررسی می کنند، مانند نظریه خودتعیین گری (۱۶)، نظریه رفتار برنامه ریزی شده (۱۷) و نظریه هدف چینی (۱۸)، با اشاره محدود به تأثیراتی که در محیط اجتماعی و فیزیکی گسترده تر فرد رخ می دهد. با این حال، مطالعات اخیر شواهد روشنی ارائه می دهد که مشارکت ورزشی توسط چندین جنبه از زندگی افراد از جمله عوامل شخصی، اجتماعی، محیطی و سیاستی تسهیل و محدود می شود (۱۹-۲۱). علاوه بر این، مداخلاتی که به رفتارها در چندین حوزه می پردازند، مؤثرتر از مداخلاتی هستند که بر یک جنبه از مشارکت ورزشی تمرکز می کنند (۲۲، ۲۳). مدل اجتماعی-اکولوژیکی چارچوبی برای بررسی تعاملات بین این حوزه‌های مرتبط به هم ارائه می دهد. بر اساس نظریه سیستم‌های بوم‌شناختی برون‌فبرنر (۲۴)، این مدل فرض می کند که افراد در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بزرگ تر قرار گرفته‌اند و جنبه‌های مختلف این محیط‌های خارجی بر رفتار افراد تأثیر می گذارند. مدل اجتماعی-اکولوژیکی به عنوان مجموعه ای از دایره‌های تودرتو با فرد در

دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در راستای سلامت و توسعه ورزش همگانی می باشد.

روش کار

پژوهش حاضر از نوع پژوهش های کیفی بوده و سعی شده است با ارائه توضیحاتی مختصر درباره روش شناسی پژوهش کیفی، این روش معرفی و فرآیند انجام پژوهش به خوبی تشریح شود. پژوهش حاضر از بین جهت گیری های فلسفی، جهت گیری تفسیرگرایی دارد که با توجه به ماهیت اجتماعی مشارکت ورزشی کارکنان و لزوم توجه به زمینه آن از روش پژوهش کیفی استفاده می کند. نظریه داده بنیاد توسط گلیزر (۱۹۹۸) از دانشگاه کالیفرنیا شکل گرفت و ریشه در جامعه شناسی دارد (۱۷). در این پژوهش از رویکرد سیستماتیک یا نظام مند استفاده شد که برای تدوین نظریه در رابطه با یک پدیده، به صورت استقرایی مجموعه ای نظام مند از رویه ها را به کار می گیرد و بر استفاده پژوهشگر از مراحل سه گانه تحلیل داده ها شامل کدگذاری باز، محوری و گزینشی تأکید دارد. گردآوری اطلاعات و داده ها در نظریه داده بنیاد می تواند به صورتهای مختلفی انجام شود. داده های گردآوری شده شامل انواع مختلفی از داده های کیفی است نظیر مشاهدات، مصاحبه ها، بررسی اسناد و مدارک، خاطرات پاسخ دهندگان، مشارکت و تأملات شخصی خود پژوهشگر. در پژوهش حاضر جهت گردآوری داده ها از روش های مصاحبه فردی و بررسی اسناد و مدارک استفاده شد. جهت شناخت مبانی نظری، ادبیات و پیشینه تحقیق مرتبط با موضوع؛ از طریق رجوع به اطلاعات موجود در پایگاه های اینترنتی، کتب، مجلات و نشریات مختلف، مطالب مربوط به هر یک، گردآوری شد. در بخش دوم، گردآوری اطلاعات از طریق بررسی و تحلیل اسناد بالادستی در حوزه ی ورزش همگانی و سایر اسناد مربوطه در وزارت سازمان صورت گرفت. همچنین جهت بررسی سؤالات پژوهش و شناسایی مقوله ها از مصاحبه عمیق فردی نیمه ساختار یافته استفاده شد؛ که در ادامه به بررسی روش مصاحبه می پردازیم. در این پژوهش ما با استفاده از روش مصاحبه نیمه ساختار یافته فردی به دنبال بررسی عمیق

درونی ترین نقطه مفهوم سازی شده است، و چندین نسخه از زمان معرفی اولیه آن توسعه یافته است (۲۵-۲۷). مدل توسعه یافته توسط مک لروی و همکاران (۲۵) در این بررسی برجسته تر است و شامل: (۱) تأثیرات فردی (مانند انگیزه های شخصی، ویژگی های شخصیتی)، (۲) روابط بین فردی (مثلاً با خانواده، دوستان، هم تیمی ها)، (۳) جنبه های سازمانی (مثلاً تأثیرات باشگاه یا سازمان ورزشی مانند برنامه بازی ها، مناسب بودن تیم ها)، (۴) تأثیرات جامعه (به عنوان مثال، دسترسی به امکانات ورزشی، هنجارهای اجتماعی) و (۵) عوامل سیاست (مانند تأثیر مشوق ها و برنامه های دولتی، رسانه ها و بازار یابی) می باشد. مدل مک لروی (۲۵) در این بررسی برای بررسی جامع عوامل متعدد، پویا، متقابل و مرتبط که بر رفتار ورزشی بزرگسالان تأثیر می گذارند، استفاده شد. بررسی های قبلی رویکردهای مشابهی را برای سنتز یافته ها اتخاذ کرده اند (۲۸-۳۱). مدل اجتماعی-اکولوژیکی، همانطور که در این بررسی اعمال شد، امکان بررسی انتقادی ادبیات موجود در حوزه های متعدد تأثیر و تعامل را فراهم می کند تا درک جامعی از مشارکت ورزشی بزرگسالان ارائه کند.

رویدادها و انتقال های مهم زندگی در سنین ۲۵ تا ۶۴ سال تجربه می شود، از ایجاد مشاغل و ایجاد روابط بلندمدت، تا خرید خانه و تشکیل خانواده را شامل می شود (۳۲) (هیرونسالو و لیتونز، ۲۰۱۱). در طول این سنین رفتارها و روال های بهداشتی بلندمدتی ایجاد می شوند که بر نتایج سلامت آینده تأثیرگذار هستند. بنابراین، افزایش درک ما از عواملی که ممکن است بر تصمیمات بزرگسالان برای شرکت در ورزش سازمان یافته تأثیر بگذارد ضروری است. بررسی تسهیل کننده ها و محدودیت های بزرگسالان در سن کار، پایه ای برای تحقیقات تجربی آتی و توصیه های عملی برای باشگاه ها و سازمان های ورزشی فراهم می کند تا امکان توسعه برنامه های ورزشی مناسب برای جذب و حفظ بزرگسالان را فراهم کند، و در نتیجه، سلامت و نتایج اجتماعی آنها را بهینه کند. بنابراین هدف از این تحقیق بررسی پیامدها و راهبردهای بهبود مشارکت ورزشی کارکنان وزارت

اطلاعات و دیدگاه های مشارکت کنندگان در مورد توسعه مشارکت ورزشی در ورزش همگانی بودیم. جامعه آماری در بخش کیفی شامل مسئولین، مشاوران و کارشناسان حوزه ورزش همگانی در وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح می باشند. در پژوهش حاضر از روش نمونه گیری هدفمند مبتنی بر رویکرد نظری استفاده می شود. ملاک انتخاب مشارکت کننده ها تسلط بر موضوع، تجربه عملی و در دسترس بودن بود. جمع آوری اطلاعات تا اشباع نظری داده ها ادامه یافت. جامعه آماری بخش کمی این پژوهش شامل کلیه مدیران ارشد و میانی و کارکنان وزارت دفاع می باشد. در پژوهش حاضر از روش نمونه گیری هدفمند مبتنی بر رویکرد نظری استفاده شد. ملاک انتخاب مشارکت کننده ها تسلط بر موضوع، تجربه عملی و در دسترس بودن بود. جمع آوری اطلاعات تا اشباع نظری داده ها ادامه یافت. باینکه از مصاحبه دهم به بعد تقریباً داده ها تکراری بودند و اشباع نظری حاصل شده بود، برای اطمینان و اعتبار بیشتر، این فرایند تا مصاحبه ۱۴ ادامه یافت. شایان ذکر است که شرکت کنندگان از نظر سابقه کار، سن، جنس، قومیت، وضعیت استخدامی و وضعیت تأهل تنوع لازم برای به دست آوردن تجارب مختلف را داشتند. در این پژوهش کلیه مصاحبه‌ها بلافاصله پس از انجام مصاحبه، تدوین و تایپ شدند و به شیوه مقایسه مداوم تحلیل و کدگذاری اولیه انجام گرفت ضمن اینکه در حین مصاحبه یادداشت برداری جهت ادامه مصاحبه و تدوین سؤالات احتمالی صورت می گرفت. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از روش کدگذاری سه مرحله‌ای باز، محوری و انتخابی استراس و کوربین با استفاده از نرم افزار مکس کیودا (MAXQDA) استفاده شد. در ادامه به توضیح این مراحل می پردازیم.

در مرحله کدگذاری باز، به خرد کردن، مقایسه کردن، نامگذاری، مفهومپردازی و مقوله‌بندی داده ها پرداخته شد؛ بدین صورت که داده ها به بخش‌های مجزایی خرد شد و مشابهت‌ها و تفاوت‌های آنها مورد بررسی قرار گرفت تا ابتدا مفاهیم مستتر در آنها استخراج و سپس با کنار هم گذاشتن مفاهیم مشابه، مقوله‌ها شکل بگیرد. پس از کدگذاری باز در این

مرحله با کنار هم قرار دادن کدها، بر اساس مفاهیمی ذهنی نامگذاری صورت گرفت. این کار بدین صورت انجام شد که درباره هر کدام از وقایع و رخدادها سؤالاتی را مطرح کرده و سپس نامگذاری مفاهیم انجام شد. به عنوان مثال، این چیست؟ نمایانگر چه چیزی است؟ پس از عنوان گذاری مفاهیم حاصله، گروه‌بندی مفاهیم در سطح انتزاعی‌تر برای دستیابی به مقولات آغاز شد. فرایندی که مقوله‌بندی نام دارد. در فرایند پژوهش گاهی ده ها و حتی صدها برچسب مفهومی به دست آمد که این مفاهیم گروه‌بندی شدند. مقوله‌بندی هم بر اساس دورویه تحلیل پرسش کردن و مقایسه کردن انجام شد. در جریان این کار هر مفهوم را با مفاهیم قبل و بعد خود یا با کل مشاهده، مقایسه نمودیم. مقوله‌ها به‌طور منظم با یکدیگر مقایسه شده تا به مقولات مرکب و جامع برسیم. عنوان یا نامی برای مقولات انتخاب شد که بیشترین ارتباط را با داده‌هایی که مقوله نمایانگر آن است، داشته باشد. در مرحله کدگذاری محوری مقولات به دست آمده از طریق کدگذاری باز را در نظامی منطقی قرار داده و ارتباط آنها با هم مشخص شد، به عبارتی داده‌های تجزیه شده به مفاهیم و مقوله‌ها در کدگذاری محوری به شیوه جدیدی به یکدیگر مرتبط شدند. این کار با به کار بردن یک مدل پارادایمی شامل شرایط علی، پدیده، زمینه، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها انجام شد. شرایط علی به حوادث، رویدادها و اتفاقاتی اشاره دارد که منجر به وقوع یا توسعه پدیده مورد نظر می شود. شرایط علی به شرایطی گفته می شود که عامل اصلی به وجود آورنده پدیده مورد مطالعه می باشد. شرایط علی می تواند هر واقعه (مانند رفتاری خاص، چیزی که گفته شده یا چیزی که کسی انجام داده است) و هم چنین رویداد احتمالی باشد. شرایط علی در داده‌ها اغلب با واژگانی نظیر وقتی، درحالی که، از آنجا که، چون، به سبب و به علت بیان می شود. حتی زمانی که چنین نشانه‌هایی وجود ندارد محقق می تواند با توجه به خود پدیده و با نگاه منظم به داده‌ها و بازبینی رویدادها و وقایعی که از نظر زمانی مقدم بر پدیده مورد نظرند، شرایط علی را بیابد. شرایط زمینه‌ای بیانگر مجموعه خاص شرایطی است که درون آن راهبردهای کنش/واکنش صورت

در برابر آن است. راهبردها مقصود داشته، هدفمند است و به دلیلی صورت می‌گیرد.

در عین حال ممکن است برای اهدافی صورت پذیرد که مربوط به پدیده نیست اما به‌رحال پیامدهایی را برای پدیده در بر خواهد داشت. پیامدها نتایج و حاصل کنش‌ها و واکنش‌ها هستند کنش/کنش متقابل که در پاسخ به یا در اداره یک پدیده انجام می‌شوند، پیامدها و نتایجی دارند، این‌ها همیشه قابل پیش‌بینی نیستند، یا به‌منظور انجام نشده اند. آنها ممکن است بالقوه یا بالفعل باشند. در زمان حاضر یا در آینده اتفاق بیفتند. از این‌رو آنچه پیامدهای کنش/کنش متقابل در یک برهه زمانی است ممکن است بخشی از شرایط در زمانی دیگر باشد (۱۸). در مرحله کدگذاری انتخابی پس از انجام کدگذاری باز و محوری و مشخص شدن مدل‌های پارادایمی آغاز می‌شود. کدگذاری انتخابی، کدگذاری محوری را در سطحی بالاتر و انتزاعی‌تر ادامه می‌دهد. در این مرحله شکل‌گیری و پیوند هر دسته‌بندی با سایر گروه‌ها تشریح می‌شود. در هر یک از مصاحبه‌ها کدهایی که از نظر دو نفر مشابه بودند، با عنوان توافق و کدهای غیرمشابه با عنوان عدم توافق مشخص شدند و درصد توافق بین دو کدگذار با استفاده از فرمول (دو برابر توافقات ضربدر ۱۰۰ تقسیم بر کل کدها) محاسبه شد.

می‌پذیرد. نشان‌دهنده یکسری خصوصیات ویژه است که به پدیده‌های دلالت می‌کند؛ به عبارتی، محل حوادث یا وقایع مرتبط با پدیده‌های در طول یک بعد است که در آن کنش متقابل برای کنترل، اداره و پاسخ به پدیده صورت می‌گیرد. شرایط مداخله‌گر به شرایط ساختاری مربوط به راهبردهای کنش/کنش متقابل که مربوط به یک پدیده است، اشاره دارد. آنها تسهیل‌گر یا محدودکننده راهبردهایی هستند که درون یک زمینه خاص قرار دارند. این شرایط شامل فضا، زمان، فرهنگ، وضعیت اقتصادی، وضعیت فن شناختی، حرفه، تاریخ و بیوگرافی فردی هستند. همه شرایط الزاماً درباره همه موارد صدق نمی‌کند و این به خود محقق بستگی دارد که تشخیص دهد از کدامیک در تحلیل‌های خود باید استفاده کند. این کار با نشان دادن اینکه چگونه آنها کنش و واکنش را آسان یا مشکل می‌سازند صورت می‌پذیرد. راهبردها به مدیریت، اداره کردن، انتقال دادن یا پاسخ دادن به پدیده تحت مجموعه خاصی از شرایط مشاهده شده، از سوی کنشگران تعبیر می‌شود. راهبردهای مورد نظر در نظریه زمینه‌ای به ارائه راه حل‌هایی برای مواجهه با پدیده مورد مطالعه اشاره دارد که هدف آن اداره کردن پدیده مورد مطالعه، برخورد با آن و حساسیت نشان دادن

جدول ۱. نتایج بررسی پایایی بین دو کدگذار

شماره مصاحبه	کل کدها	توافقات	عدم توافقات	درصد پایایی
۱	۴۲	۱۸	۶	۸۸
۳	۲۸	۱۰	۸	۷۸
۷	۱۶	۶۶	۴	۷۶
کل	۸۶	۳۴	۱۸	۷۸

همانطور که داده‌های جدول نشان می‌دهند، پایایی کل بین دو کدگذار برابر با ۷۹ درصد است و با توجه به اینکه پایایی بیش از ۶۰ درصد است، قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها تأیید می‌شود

بین مقوله‌های تولید شده در مرحله کدگذاری باز است. کدگذاری محوری بر تمرکز و تعیین یک مقوله به عنوان مقوله اساسی یا اصلی قرار داشته و سپس سایر مقولات به عنوان مقولات فرعی به آن ارتباط داده می‌شوند. این کار با به کار بردن یک مدل پارادایمی شامل شرایط علی، پدیده، زمینه، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها بر اساس روش کدگذاری استراس و کوربین انجام شد. در ادامه با استفاده از روش کدگذاری انتخابی به طراحی مدل نهایی توسعه مشارکت ورزشی در ورزش همگانی پرداختیم. این مدل مشتمل بر ۱۴ مقوله نهایی می‌باشد که نتایج آن در شکل زیر ارائه شده است.

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری سه مرحله‌ای باز، محوری و انتخابی استراس و کوربین با استفاده از نرم افزار مکس کیودا (MAXQDA 10) استفاده شد. با کمک نرم افزار در مجموع همه مصاحبه‌ها تعداد ۵۱۷ کد اولیه ایجاد شد. تعدادی از این کدها تکراری یا مشابه بودند به طوری که با تجمع یا ادغام آنها تعداد ۱۷۲ کد مستقل باز اولیه (مفاهیم) ایجاد شد. سپس کدهای باز اولیه (مفاهیم) در قالب ۳۲ مقوله دسته‌بندی شدند که اساس این کار بر پایه قرابت مفهومی و معنایی بود.

پس از انجام کدگذاری باز، مرحله دوم تجزیه و تحلیل داده‌ها یا کدگذاری محوری انجام شد. هدف این مرحله برقراری رابطه



شکل ۱. مدل پیامدها و راهبردهای بهبود مشارکت ورزشی کارکنان وزارت دفاع و پشتیبانی

نیروهای مسلح در راستای سلامت و توسعه ورزش همگانی

مشارکت کنندگان در این پژوهش به وضعیت نامطلوب آن، در قالب عوامل مداخله‌گر قرار گرفت.

بحث و نتیجه گیری

تحقیقات قبلی مشخص کرده است که عوامل بسیاری بر مشارکت ورزشی سازمان یافته تأثیر می‌گذارد (۲۳، ۳۳-۳۵). برخی شرایط مشارکت ورزشی را با فراهم کردن فرصت‌های موقعیتی و شخصی برای مشارکت تسهیل می‌کنند، در حالی که سایر عوامل به عنوان موانع یا محدودیت‌ها درک می‌شوند و می‌توانند مشارکت ورزشی را مهار یا محدود کنند (۳۶). معمولاً لذت به عنوان دلیل اصلی درگیر شدن در ورزش سازمان یافته در میان افراد در تمام سنین گزارش می‌شود (۱۹، ۲۱، ۳۷). سایر تسهیل‌کننده‌های برجسته درک شده شامل مزایای بالقوه سلامت جسمی و روانی، حمایت خانواده و دوستان، فرصت‌هایی برای مشارکت اجتماعی و دستیابی به اهداف شخصی است (۲۱، ۳۴، ۳۸، ۳۹). مطالعات دسترسی ناکافی به حمل و نقل، فقدان فرصت‌های مناسب بازی و محدودیت‌های زمانی را به عنوان بزرگترین موانع برای مشارکت ورزشی در برخی از جمعیت‌ها شناسایی کرده‌اند (۲۱، ۳۹، ۴۰). علاوه بر این، بزرگسالان آسیب، بیماری یا یک وضعیت پزشکی موجود را به عنوان کاهش یا جلوگیری از درگیری ورزشی گزارش می‌کنند (۲۰، ۲۳، ۴۰). با این حال، وجود محدودیت‌ها همیشه مانع مشارکت نمی‌شود. به طور خاص، مفهوم محدودیت‌های مذاکره شده در مطالعات قبلی ورزش و اوقات فراغت با اشاره به کارهایی که افراد برای غلبه بر موانعی که در شروع، ادامه یا افزایش مشارکت خود در ورزش با آن روبرو هستند انجام می‌دهند، ظهور کرده است (۴۱). به عنوان مثال، استراتژی‌هایی که با هدف بهبود مهارت‌های مرتبط با ورزش و مدیریت زمان و محدودیت‌های مالی، به بزرگسالان کمک می‌کنند تا بر موانع شرکت در ورزش غلبه کنند (۴۲، ۴۳).

پژوهش حاضر باهدف بررسی پیامدها و راهبردهای بهبود مشارکت ورزشی کارکنان وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در راستای سلامت و توسعه ورزش همگانی انجام گرفت.

این مدل بر اساس نظرات مشارکت‌کنندگان در این پژوهش و منطبق بر شرایط موجود معاونت تربیت‌بدنی و سلامت وزارت سازمان طراحی و تدوین شد. با توجه به روش انتخاب‌شده برای طراحی، مدل‌هایی پژوهش در قالب شش بخش پدیده محوری، عوامل علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها ارائه شد. در این مدل، مشارکت ورزشی با مقولات فرعی حوزه‌های مشارکت کارکنان، گروه‌های هدف و فرصت‌های موجود به عنوان مقوله اصلی یا پدیده محوری انتخاب شد که به عنوان یک متغیر وابسته تحت تأثیر شرایطی مانند اسناد بالادستی، تعارضات اجرایی، نبود تفکر استراتژیک، چندگانگی نهادهای تصمیم‌گیرنده، بی‌عدالتی توزیعی، کارکرد نهادهای حاکمیتی، جهت‌گیری رسانه، عوامل اجتماعی و سازمانی قرار دارد. از طرفی تحقق مشارکت ورزشی در ورزش همگانی می‌تواند منجر به پیامد خاصی با عنوان سلامت و موفقیت اجتماعی شود، البته تحقق این امر، علاوه بر توجه به عوامل علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر منوط به ایجاد پیش‌زمینه‌های رسمی مشارکت، ترویج فرهنگ مشارکت و طراحی نظام مشارکت است.

با توجه به اینکه در گذشته مدلی برای مشارکت‌های ورزشی در ورزش همگانی وجود نداشت و این اولین مدلی است که طراحی شده است، جامع بودن و توجه به همه‌ی عوامل مؤثر در توسعه مشارکت ورزشی، ساده و کاربردی بودن مدل، شفافیت در کدگذاری و نحوه تشکیل مقوله‌ها، اعتباربخشی جامع، نحوه چیدمان، تعاملات و ارتباط بین عوامل اصلی این مدل از ویژگی‌های متمایز آن است. به‌طور مثال؛ از آنجایی که در مدل حاضر پدیده محوری، مشارکت ورزشی می‌باشد که امری مثبت است و انجام آن به داشتن برنامه و طرح نیاز دارد، بنابراین اسناد بالادستی، نبود تفکر استراتژیک، چندگانگی نهادهای تصمیم‌گیرنده و بی‌عدالتی توزیعی در قالب عوامل علی قرار گرفت. از طرفی با توجه به اهمیت حوزه‌های مشارکت و گروه‌های هدف، این مقوله‌ها نیز در کنار فرصت‌های موجود در قالب پدیده محوری قرار گرفت. همچنین تعارضات اجرایی و عملکرد نهادهای حاکمیتی به دلیل اعتقاد و اذعان اغلب

شکل‌گیری مشارکت ورزشی در ورزش همگانی محسوب می‌شود.

راهبردهای ایجاد پیش‌زمینه‌های رسمی مشارکت (استراتژی‌های سطح کلان، برند سازی ورزش همگانی)، ترویج فرهنگ مشارکت (اقناع و متقاعدسازی جمعی و آگاه سازی همگانی) و طراحی نظام مشارکت در ورزش (تدوین نظام ورزشی، تدوین نظام حامیان مالی و طراحی سامانه مشارکت کارکنان) بر مشارکت ورزشی اثر خواهد داشت.

راهبردهای ایجاد پیش‌زمینه‌های رسمی مشارکت (استراتژی‌های سطح کلان، برند سازی ورزش همگانی و برنامه سطح محلی)، ترویج فرهنگ مشارکت (اقناع و متقاعدسازی جمعی و آگاه سازی همگانی) و طراحی نظام مشارکت (تدوین نظام ورزشی، تدوین نظام حامیان و مدیران اثرگذار و طراحی سامانه مشارکت کارکنان) پیامدهای افزایش سرمایه اجتماعی، بهره‌وری، توسعه ورزش و توسعه سلامت اجتماعی را به دنبال خواهد داشت.

همانطور که در مدل نهایی پژوهش ذکر شد، تحقق مشارکت ورزشی در ورزش همگانی می‌تواند منجر به پیامد خاصی با عنوان سلامت و موفقیت اجتماعی افراد شود که شامل چهار مقوله فرعی افزایش سرمایه اجتماعی، افزایش بهره‌وری، توسعه ورزش و توسعه سلامت اجتماعی است.

بر اساس نتایج این پژوهش و به منظور توسعه مشارکت ورزشی در ورزش همگانی پیشنهاد می‌شود؛ با توجه به این یافته که اسناد بالادستی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر توسعه مشارکت فرا بخشی در ورزش همگانی می‌باشد، مدیریت ارشد وزارت خانه باید به این موضوع اهمیت بیشتری داده و با رایزنی با هیئت دولت و مجلس جهت تصویب قوانین و آئین نامه‌های تسهیل کننده و استفاده از مسیرهای خلاقانه که مخالف با اسناد بالادستی نباشد، اقدام نماید. با توجه به این یافته که نبود تفکر استراتژیک یکی از مهم‌ترین موانع تأثیرگذار بر توسعه مشارکت در ورزش می‌باشد، پیشنهاد می‌شود ضمن ایجاد ثبات در مدیریت، عمل کردن به برنامه جامع ورزش و برندسازی شرایط مطلوب برای توسعه مشارکت‌های ورزشی فراهم گردد. با توجه به نقش مهم رسانه در تسهیل فرایند توسعه مشارکت فرا بخشی

به منظور دستیابی به اهداف پژوهش، مدل نهایی پژوهش مشتمل بر راهبردها و پیامدها طراحی و تدوین شد، در ادامه به ارائه نتایج هر بخش می‌پردازیم.

راهبردها: راهبردهای شناسایی شده در این پژوهش مشتمل بر سه مقوله اصلی ایجاد پیش‌زمینه‌های رسمی مشارکت، ترویج فرهنگ مشارکت و طراحی نظام مشارکت می‌باشد. ایجاد پیش‌زمینه‌های رسمی مشارکت مشتمل بر سه مقوله فرعی استراتژی‌های سطح کلان، برند سازی ورزش همگانی و برنامه‌های سطح محلی می‌باشد. ترویج فرهنگ مشارکت مشتمل بر مقولات فرعی آگاه‌سازی همگانی و اقناع و متقاعدسازی همگانی است. همچنین مقوله اصلی طراحی نظام مشارکت مشتمل بر سه مقوله فرعی طراحی نظام ورزشی، تدوین تدوین نظام حامیان مالی و طراحی سامانه مشارکت‌های کارکنان می‌باشد.

پیامدها: تحقق پدیده‌ی توسعه مشارکت ورزشی در ورزش همگانی می‌تواند منجر به پیامد خاصی با عنوان سلامت و موفقیت اجتماعی کارکنان شود. مقوله سلامت و موفقیت اجتماعی در این پژوهش مشتمل بر چهار مقوله فرعی افزایش سرمایه اجتماعی، افزایش بهره‌وری، توسعه ورزش و توسعه سلامت اجتماعی است.

محورهای اصلی اسناد بالادستی (عدم انعطاف بودجه، الزام به واگذاری فضاها و ورزشی، محدودیت استفاده از نخبگان ورزشی)، نبود تفکر استراتژیک (تغییر و تحولات سریع مدیریتی، مبنا قرار ندادن برنامه جامع ورزش، نبود نگاه پایه‌ای به ورزش همگانی، بی‌توجهی به برند ورزش همگانی، تمرکز روی مسائل آنی زود بازده، تفکرات جزیره‌ای و عدم تمرکز بودجه و اعتبارات)، چندگانگی نهادهای تصمیم‌گیرنده (نبود مدیریت یکپارچه در ساخت و کاربری فضاها و ورزشی دولتی، برنامه‌ریزی مجزا و ناهماهنگ نهادها، تداخل مأموریت نهادهای ذینفع) و بی‌عدالتی توزیعی (توزیع نامتعادل منابع، تبعیض بین ورزش قهرمانی و همگانی، حمایت نابرابر دولت از ورزش همگانی در مقایسه با ورزش قهرمانی و حرفه‌ای، ترجیح مسائل اقتصادی و درمانی و انحصاری بودن رسانه)، شرایط علی

تشکر و قدردانی

از تمامی افرادی که در این پژوهش همکاری نموده اند تشکر و قدردانی می گردد.

تعارض منافع

این مطالعه فاقد تضاد منافع می باشد.

در ورزش همگانی پیشنهاد می شود؛ با گرفتن حق پخش تلویزیونی، برگزاری نشست ها و گفتمانهای رسانه ای و میزبانی رویدادهای بین المللی همگانی در جهت ترغیب به مشارکت در ورزش تلاش شود. با توجه به این یافته که ایجاد پیش زمینه های رسمی مشارکت یکی از مهم ترین راهکارهای توسعه مشارکت ورزشی در ورزش همگانی می باشد، به منظور ایجاد بسترهای مناسب، لازم است تا استراتژی هایی در سطح کلان تدوین شود.

References

1. Diener E, Lucas RE, Oishi S. Advances and open questions in the science of subjective well-being. *Collabra: Psychology*. 2018;4(1):15.
2. Elwood P, Galante J, Pickering J, Palmer S, Bayer A, Ben-Shlomo Y, et al. Healthy lifestyles reduce the incidence of chronic diseases and dementia: evidence from the Caerphilly cohort study. *PloS one*. 2013;8(12):e81877.
3. Guthold R, Stevens GA, Riley LM, Bull FC. Worldwide trends in insufficient physical activity from 2001 to 2016: a pooled analysis of 358 population-based surveys with 1·9 million participants. *The lancet global health*. 2018;6(10):e1077-e86.
4. Organization WH. Global action plan on physical activity 2018-2030: more active people for a healthier world: World Health Organization; 2019.
5. Geard D, Rebar AL, Dionigi RA, Reaburn PR. Testing a model of successful aging on masters athletes and non-sporting adults. *Research Quarterly for Exercise and Sport*. 2021;92(1):11-20.
6. Oja P, Titze S, Kokko S, Kujala UM, Heinonen A, Kelly P, et al. Health benefits of different sport disciplines for adults: systematic review of observational and intervention studies with meta-analysis. *British journal of sports medicine*. 2015;49(7):434-40.
7. Sivaramakrishnan H, Gucciardi DF, McDonald MD, Quested E, Thogersen-Ntoumani C, Cheval B, et al. Psychosocial outcomes of sport participation for middle-aged and older adults: a systematic review and meta-analysis. *International Review of Sport and Exercise Psychology*. 2024;17(1):398-419.
8. Son J, Dionigi RA. The complexity of sport-as-leisure in later life. *Positive Sociology of Leisure: Contemporary Perspectives*. 2020:109-24.
9. Kim ACH, Park SH, Kim S, Fontes-Comber A. Psychological and social outcomes of sport participation for older adults: A systematic review. *Ageing & Society*. 2020;40(7):1529-49.
10. Eime R, Charity M, Harvey J, Westerbeek H. Five-year changes in community-level sport participation, and the role of gender strategies. *Frontiers in sports and active living*. 2021;3:710666.
11. Eurobarometer S. Sport and physical activity. Brussels: TNS Opinion & Social. 2014.
12. Jenkin CR, Eime RM, Westerbeek H, O'Sullivan G, Van Uffelen JG. Sport and ageing: a systematic review of the determinants and trends of participation in sport for older adults. *BMC public health*. 2017;17:1-20.
13. Eime R, Harvey J, Charity M. Australian sport and physical activity behaviours pre, during and post-COVID-19. *BMC Public Health*. 2024;24(1):834.
14. Engel C, Nagel S. Sports participation during the life course. *European Journal for Sport and Society*. 2011;8(1-2):45-63.

15. Van Houten JM, Kraaykamp G, Pelzer BJ. The transition to adulthood: a game changer!? A longitudinal analysis of the impact of five major life events on sport participation. *European Journal for Sport and Society*. 2019;16(1):44-63.
16. Coleman SJ, Sebire SJ. Do people's goals for mass participation sporting events matter? A self-determination theory perspective. *Journal of Public Health*. 2017;39(4):e202-e8.
17. Gucciardi DF, Jackson B. Understanding sport continuation: An integration of the theories of planned behaviour and basic psychological needs. *Journal of science and medicine in sport*. 2015;18(1):31-6.
18. Etnier JL, Sidman CL, Hancock II LC. An examination of goal orientation profiles and motivation in adult team sport. *International Journal of Sport Psychology*. 2004.
19. Hopkins CS, Hopkins C, Kanny S, Watson A. A systematic review of factors associated with sport participation among adolescent females. *International Journal of Environmental Research and Public Health*. 2022;19(6):3353.
20. Jenkin C, Eime RM, Van Uffelen JG, Westerbeek H. How to re-engage older adults in community sport? Reasons for drop-out and re-engagement. *Leisure Studies*. 2021;40(4):441-53.
21. Peralta LR, Cinelli RL, Cotton W, Morris S, Galy O, Caillaud C. The barriers to and facilitators of physical activity and sport for Oceania with non-European, non-Asian (ONENA) ancestry children and adolescents: a mixed studies systematic review. *International Journal of Environmental Research and Public Health*. 2022;19(18):11554.
22. Davis R, Campbell R, Hildon Z, Hobbs L, Michie S. Theories of behaviour and behaviour change across the social and behavioural sciences: a scoping review. *Health psychology review*. 2015;9(3):323-44.
23. Macgregor C, Roby D, Reaburn P. The effect of age on perceived benefits and constraints to participation in masters cycling—Literature review. *Cogent psychology*. 2017;4(1):1316047.
24. Bronfenbrenner U. *The ecology of human development: Experiments by nature and design*: Harvard university press; 1979.
25. McLeroy KR, Bibeau D, Steckler A, Glanz K. An ecological perspective on health promotion programs. *Health education quarterly*. 1988;15(4):351-77.
26. Sallis J, Bauman A, Pratt M. Environmental and policy interventions to promote physical activity. *American journal of preventive medicine*. 1998;15(4):379-97.
27. Stokols D. Establishing and maintaining healthy environments: Toward a social ecology of health promotion. *American psychologist*. 1992;47(1):6.
28. Balish SM, McLaren C, Rainham D, Blanchard C. Correlates of youth sport attrition: A review and future directions. *Psychology of Sport and Exercise*. 2014;15(4):429-39.
29. Back J, Johnson U, Svedberg P, McCall A, Ivarsson A. Drop-out from team sport among adolescents: A systematic review and meta-analysis of prospective studies. *Psychology of Sport and Exercise*. 2022;61:102205.
30. May T, Dudley A, Charles J, Kennedy K, Mantilla A, McGillivray J, et al. Barriers and facilitators of sport and physical activity for Aboriginal and Torres Strait Islander children and adolescents: a mixed studies systematic review. *BMC Public Health*. 2020;20:1-13.
31. Voelker DK, Visek AJ, Learner JL, DiBiasio M. Toward understanding of coaches' role in athletes' eating pathology: A systematic review and ecological application to advance research. *Psychology of Sport and Exercise*. 2022;58:102059.
32. Hirvensalo M, Lintunen T. Life-course perspective for physical activity and sports participation. *European Review of Aging and Physical Activity*. 2011;8:13-22.
33. Dionigi RA, Fraser-Thomas J, Logan J. The nature of family influences on sport participation in Masters athletes. *Annals of leisure research*. 2012;15(4):366-88.
34. Hodge K, Allen JB, Smellie L. Motivation in Masters sport: Achievement and social goals. *Psychology of sport and Exercise*. 2008;9(2):157-76.
35. Jenkin CR, Eime RM, Westerbeek H, van Uffelen JG. Sport for adults aged 50+ years: Participation benefits and barriers. *Journal of Aging and Physical Activity*. 2018;26(3):363-71.
36. Raymore LA. Facilitators to leisure. *Journal of Leisure research*. 2002;34(1):37-51.

37. Visek AJ, Achrati SM, Mannix HM, McDonnell K, Harris BS, DiPietro L. The fun integration theory: toward sustaining children and adolescents sport participation. *Journal of Physical Activity and Health*. 2015;12(3):424-33.
38. Stenner BJ, Buckley JD, Mosewich AD. Reasons why older adults play sport: A systematic review. *Journal of sport and health science*. 2020;9(6):530-41.
39. Allen B, Canuto K, Evans JR, Lewis E, Gwynn J, Radford K, et al. Facilitators and barriers to physical activity and sport participation experienced by Aboriginal and Torres Strait Islander adults: a mixed method review. *International journal of environmental research and public health*. 2021;18(18):9893.
40. Son J, West S, Liechty T, Janke M, Juris J, Wong J. The sport facilitators in later life scale (SFLLS): Preliminary evidence of reliability and validity. *Journal of Leisure Research*. 2022;53(4):643-66.
41. Hubbard J, Mannell RC. Testing competing models of the leisure constraint negotiation process in a corporate employee recreation setting. *Leisure sciences*. 2001;23(3):145-63.
42. Kocak F. The relationship between leisure constraints, constraint negotiation strategies and facilitators with recreational sport activity participation of college students. *College Student Journal*. 2017;51(4):491-7.
43. Wood L, Danylchuk K. Constraints and negotiation processes in a women's recreational sport group. *Journal of Leisure Research*. 2012;44(4):463-485

*Original Article***Consequences and strategies for improving the sports participation of the employees of the Ministry of Defense and supporting the armed forces in line with the health and development of public sports**

Received: 26/02/2023 - Accepted: 12/05/2023

Jalal Goudarzi¹
Sepideh Ghotnian^{2*}
Zohreh Afsharmand³
Saeed Ghorbani³

¹ PhD student in sports management, Department of Sports Management, Faculty of Physical Education and Sports Sciences, Islamshahr Branch, Islamic Azad University, Islamshahr, Iran.

² Assistant Professor, Department of Sports Management, Faculty of Physical Education and Sports Sciences, Islamshahr Branch, Islamic Azad University, Islamshahr, Iran. (Corresponding Author)

³ Assistant Professor, Department of Physical Education and Sports Sciences, Faculty of Physical Education and Sports Sciences, Islamshahr Branch, Islamic Azad University, Islamshahr, Iran.

Email:
sepideh.ghotnian@yahoo.com

Abstract

Introduction: The present research was conducted with the aim of investigating the consequences and strategies of improving the sports participation of the employees of the Ministry of Defense and supporting the armed forces in the direction of health and the development of public sports.

Methods: The current research method was qualitative and based on the foundation's data theory with a systematic approach. The statistical population in the qualitative section includes officials, consultants and experts in the field of public sports in the Ministry of Defense and Armed Forces Support. The selection criteria of participants were subject mastery, practical experience and availability. The statistical population of the quantitative part of this research includes all senior and middle managers and employees of the Ministry of Defense. Purposive sampling method based on theoretical approach was used. Data collection continued until theoretical data saturation and 14 semi-structured interviews were conducted. In order to analyze the data, Strauss and Corbin's three-stage open, axial and selective coding method was used using MaxQuda software, which resulted in the extraction of 172 concepts, 32 sub-categories and 13 main categories.

Results: The results showed that in order to design a model of barriers to the sports participation of the Ministry of Defense employees and the support of the armed forces from a psychological point of view, in order to develop public sports, the 13 mentioned factors should be taken into consideration as key components, and the relationship between them in the form of the final model of the research. Provided. In this model, the development of sports participation with sub-categories of employee participation areas, target groups and existing opportunities was chosen as the main category or central phenomenon, which as a dependent variable is influenced by conditions such as upstream documents, executive conflicts, lack of strategic thinking, The multiplicity of decision-making institutions, distributional injustice, the function of governance institutions, content facilitators, media orientation, social and organizational factors are located.

Conclusion: Based on the results of the research, it can be said that the development of participation in public sports according to the strategies can lead to consequences in order to improve the functions and health of people.

Keywords: Sports Participation, Consequences, Strategies, Public Sports